

۱- جنگ ویتنام با آمریکا

جنگ ویتنام نام مجموعه عملیات و درگیری‌های نظامی‌ای است که از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ بین نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادی‌بخش ویتنام جنوبی معروف به «ویت‌کنگ» از یک سو، و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش به ویژه ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر رخ داد.

دولت آمریکا (دوایت آیزنهاور - Dwight D. Eisenhower) حضور آمریکایی در جنگ را به عنوان راهی برای جلوگیری از گسترش و کنترل کمونیسم در ویتنام جنوبی می‌دانست. این قسمتی از استراتژی گسترده‌تر (در سطح جهانی) برای جلوگیری از کمونیسم بود که شامل ایران در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد برای جلوگیری از رشد حزب توده نیز می‌شد. با توجه به تئوری دومینو (Domino theory) اگر یک منطقه کمونیستی می‌شد مناطق اطراف را هم به دنبال خودش پایین می‌کشید (بعد از اتحاد جماهیر شوروی، چین، کره شمالی، ویتنام، لائوس ...). و سیاست آمریکا کنترل کل ویتنام در دست کمونیسم را غیرقابل قبول می‌دانست. دولت ویتنام شمالی (North Vietnam) و ویت‌کنگ‌ها (Viet Cong) برای اتحاد تحت حکومت کمونیستی می‌جنگیدند. آن‌ها اختلاف را ابتدا جنگ مستعمراتی فقط علیه نیروی‌های استعماری فرانسوی می‌دانستند اما وقتی آمریکا به فرانسه پیوست اختلاف را به جنگ علیه کل دولت ویتنام جنوبی که آن را دولت دست‌نشانده آمریکا یا عروسک خیمه شب بازی مطرح می‌کردند تغییر دادند.

امروز جمهوری سوسیالیستی ویتنام به نام ویتنام معروف است. از موارد مشابه پیشرفت کمونیسم مربوط به رژیم عرب سوسیالیستی بعث عراق نیز می‌شده است. لازم است ذکر شود که سوسیالیسم دارای تعاریف متعدد قدیم و مدرن و شاخه‌های متنوع است. اما در تعریف مارکسیسم (کارل مارکس) که تفکر ریشه‌ای کمونیسم است، سوسیالیسم را به گذار از نظام سرمایه داری کپیتالیسم به نظام کمونیستی می‌گویند (نیمه کمونیستی). که ظاهراً تعریف قدیم آن می‌باشد.

در جریان جنگ جهانی دوم، هندوچین به تصرف نیروهای ژاپن درآمد و دست نیروهای فرانسه که پیش از آن نیروی مستعمراتی آن منطقه بودند از کشورهای منطقه موقتاً کوتاه شد. با شکست ژاپن در پایان جنگ نیروهای ملی و نیز کمونیست‌های ویتنام استقلال ویتنام را خواستار شدند و در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ هوشی مین تشکیل کشور مستقل ویتنام را در هانوی اعلام کرد.

نیروهای فرانسه که از اسارت نیروهای ژاپن درآمده بودند دوباره سعی در کسب سلطه خود در هندوچین و ویتنام کردند. این امر با مقاومت نیروهای ویتنامی (معروف به ویت مین) زیر فرماندهی هوشی مین روبرو شد و جنگ‌های معروف به جنگ اول ویتنام در گرفت.

در سال ۱۹۵۰ رئیس‌جمهور آمریکا ترومن ۳۵ نفر از افراد گروه کمک و مشاوره نظامی را برای آموزش و مشاوره به کمک فرانسه فرستاد تا بتواند سلطه مستعمراتی خود را در ویتنام حفظ کند.

در ۱۹۵۴ نیروهای ویت مین شکست سختی در دین بین فو به نیروهای فرانسه وارد کردند و در نتیجه فرانسه در کنفرانس ژنو به استقلال سه کشور مستعمره خود یعنی کامبوج و لائوس و ویتنام رضایت داد اما در موافقتنامه‌های کنفرانس ژنو ویتنام موقتاً به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده بود. هدف ظاهراً آن بود که پس از رای‌گیری از مردم ویتنام تکلیف حکومت در این کشور معلوم شود. حکومت ویتنام جنوبی زیر رهبری نگو دین دیم با تشویق آمریکا از شرکت در مذاکرات مربوط به ترتیبات این رای‌گیری سر باز زد. در همین دوره حکومت ویتنام جنوبی با حمایت آمریکا به سرکوب شدید کمونیست‌ها پرداخت و بسیاری از مردم به اتهام کمونیست بودن اعدام شدند.

برخی از نیروهای ویت مین که در جنوب باقی‌مانده بودند دست به مقاومت مسلحانه علیه حکومت نگو دین دیم زدند و نیروهای ویتنام شمالی نیز پس از مدتی به حمایت از این مبارزات در جنوب پرداختند.

جبهه ملی آزادی بخش ویتنام جنوبی تشکیل شد. حکومت ویتنام جنوبی افراد این جبهه را ویت‌کنگ می‌نامید که کوتاه شده عبارت «کمونیست ویتنامی» (ویت نام کنگ سان - Việt Nam Cộng Sản) به زبان ویتنامی بود.

آرژانتین و بریتانیا

آغاز جنگ

در آوریل ۱۹۸۲ ژنرال‌های آرژانتینی برای دستیابی به شهرت داخلی و خلاصی از گرفتاری‌های اقتصادی و سیاسی کشور بحث لزوم آزادسازی مالویناس را مطرح کردند و بلافاصله با اعزام ۱۱ هزار سرباز تکاور (نیروهای هوادریا) جزیره را اشغال کردند. گمان آنها این بود که انگلیس به دلیل آنکه دیگر قدرت گذشته را ندارد (در دهه ۷۰ انگلیس بخش بزرگی از نبرد ناوها و ناوهای هواپیمابر بزرگ خود را کنار گذاشت چرا که از عهده مخارج نگهداری آنها بر نمی‌آمد) بنابراین به مذاکرات سیاسی و اعتراضات دیپلماتیک بسنده می‌کند.

اما پاسخ انگلیس کوبنده بود. آنها ابتدا توسط یک زیردریایی اتمی با ۲ اژدر، یک رزمناو آرژانتینی را در ۲۵۰ مایلی جنوب فالکلند غرق کردند و سپس به اعزام ۲ ناو عظیم هواپیمابر و ۳۰ ناوچه (فریگیت) و رزمناو و ۲۵ ناو نفربر و لجستیکی اقدام کردند در حالی‌که زیردریایی‌های اتمی و غیر اتمی نیز همراه آنها بود.

در ۲۵ آوریل ۱۹۸۲ هلی‌کوپترهای انگلیسی زیردریایی آرژانتینی سانتافه را صدمه زده و آنرا به تسلیم شدن واداشتند. در روز ۲۶ آوریل نیروهای آرژانتینی مستقر در جزیره جورجیا واقع در شرق فالکلند در اثر آتش شدید ناوهای انگلیس تسلیم شدند و در ۲ ماه زیردریایی انگلیسی کانگورو رزمناو بزرگ آرژانتینی بلگرانو را غرق کرد.

حمله متقابل آرژانتینی ها به ناوگان اصلی انگلیس و ناوهای هواپیمابر آنها بی نتیجه بود و در نتیجه شکست این حمله ناوهای آرژانتینی به سمت سواحل آرژانتین عقب نشینی کردند.

انگلیسی ها در روزهای سوم و چهارم ماه مه نیز دو کشتی دیگر آرژانتینی را هدف قرار می دهند.

ورود نیروی هوایی آرژانتین

ضربات پی در پی انگلیس به نیروی دریایی آرژانتین سبب از گردونه خارج شدن این نیرو شد، حال آنکه خلبانان آرژانتینی از ۴ مه با ورود به جنگ صحنه نبرد را تغییردادند.

ابتدا یک سوپر اتاندارد آرژانتینی با پرتاب موشک معروف اگزوستناو بزرگ شفیلد انگلیس را غرق می کند که در این حادثه ۲۰ انگلیسی کشته می شوند. در ۱۰ مه ناو گلاسکوی انگلیس مورد اصابت بمب های هواپیمای آرژانتینی قرار می گیرد اما غرق نمی شود. ضربات آرژانتینی ها اگرچه سبب کند شدن عملیات دریایی انگلیس می شود اما آن را متوقف نمی کند و ناوهای نفربرو لجستیکی انگلیس خود را به سواحل فالکلند می رسانند تا اقدام به پیاده کردن نیرو کنند.

غرق شدن ۵ ناو انگلیسی

از این زمان به بعد جنگ سرعت بالایی به خود می گیرد. هواپیماهای میراث، سوپر اتاندارد و ای-۴ آرژانتینی با قبول خطر خود را به ارتفاع پایین رسانده و ناوشکن های در حال عملیات پیاده کردن نیرو را در هم می کوبند. ناوهای گلا مورگان، سرگالاهاد، پلیموتو سر تریسترام مورد اصابت قرار می گیرند اما این ضربات تأثیری روی عملیات عظیم انگلیسی ها ندارد. قصد ارتش انگلیس پیاده کردن ۲ تیپ نیرو بود که در ۲۱ ماه مه عملی شد و هواپیماهای عمود پرواز سی هاریر نیز ۲ ناو آرژانتینی که قصد کمک رسانی به نیروهای آرژانتین را داشتند نابود کردند. اما خلبانان آرژانتینی به بهای تلفات زیاد حملات خود را ادامه داده و موفق می شوند باموشک و بمب ناوهای آروگانت، سر پلیانت را صدمه زده و ناو آردنت را غرق کنند.

در ۲۳ ماه مه آنها ناوچه آنتلوپ انگلیس را نیز با موشک هدایت شونده از ناحیه «پاشنه» مورد اصابت قرار می دهند. اما در همان روز هلی کوپترهای لینکس انگلیس نیز ناو عظیم لجستیکی ۱۳ هزار تنی آرژانتین را با موشک های هوا به دریا منهدم می کنند.

اگرچه آرژانتین در نبرد فالکلند مطمئن بود نبرد را در دریا باخته اما جنگ در هوا و زمین را با شدت ادامه داد و غرق شدن ناوشکن کاونتری در ۲۵ ماه مه رقم تلفات انگلیسی ها را به غرق یا صدمه جدی برای ۱۱ ناو می رساند.